

ویلاسازی در استان مازندران ادامه دارد

حراج جنگل و شالیزار

متقاضی خرید ویلا در مازندران بیشتر تهرانی‌ها هستند و بعد اصفهانی‌ها و مشهدی‌ها ◀ استان مازندران بیش از ۵ هزار آژانس املاک دارد، بخش زیادی از این واحدها در چمستان هستند ▶ طرح خروج دام از جنگل، بلای دیگری بود تا جنگل‌های مازندران بیش از پیش ویران شود



عکس: سیدعلی قاضی‌مقدم / شهروند

نزگس جودکی | پژوی خاکستری آقای حسین پور در جاده خاکی پیچ‌پیچ می‌راند و پشت سرش خاک است که به آسمان می‌رود. جنگل نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. روستای ایرکا هم تمام می‌شود. خانه‌باغ‌ها و ویلاها خودی نشان می‌دهند. آخرین ویلا پلاک ۷۱ است. «بفرمایید این هم ویلای جنگلی رویایی». آقای حسین پور راست می‌گوید. از این خانه تا جنگل ۲۰ قدم فاصله است. آفتاب دارد غروب می‌کند و جنگل وهمناک می‌ماند و خیال. آقای حسین پور می‌گوید: «امنیت؟ پلنگ کجا بود. نسل پلنگ مازندران منقرض شده. ترسی ندارم این‌جا، فقط شغال ممکن است بیاید. ببینید همه جای این خانه قفل و بند دارد.»

روبه‌روی خانه بالای تپه، زمینی ۲۰۰ متری است که حسین پور آن‌قدر در شرح مزایای خریدش سخن فرسای می‌می‌کند که آفتاب پشت کوه و جنگل گم می‌شود.

در راه بازگشت آقای حسین پور چند جای دیگر می‌ایستد و شهرک‌های ویلایی را معرفی می‌کند. «خیال‌تان راحت. این‌جا همه تهرانی هستند.»

به جاده اصلی آمل برمی‌گردیم. جلوی بنگاه، حسین پور با کارت ویزیت و چند شیشه دلستر لیمویی می‌آید برای قرار و مدارهای بعدی و اگر ویلا پسند شده باشد، قرار محضر.

بنگاه آقای حسین پور یکی از ۵۷۵۲ آژانس املاک مازندران است که به قول خودش در بدترین حالت هفته‌ای یک ویلا معامله می‌کند. ویلایی در دل جنگل یا شالیزار یا ساحل عزیز دریا.

که مازندران شهر ما یاد باد

هجوم چندساله انبوه‌سازان و ویلاشینان به چشم‌اندازان سبز مازندران به جای توسعه گردشگری و اشتغال‌زایی، منابع طبیعی را گرفته، صدای زجره‌ها را گرفته و آنچه به سوغات آورده به قول کارشناسان نابودی اقتصاد بومی است و نابرابری.

صبح با صدای اره آغاز می‌شود و شب با بوق خودروهای سیاه و سرخ پایان می‌گیرد. دامداران مراتع بکر را با بول عوض می‌کنند و شالیزاران را بناهای سیمانی و سنگی برمی‌کنند. کجا نزدیک‌تر از آمل به تهران برسی آنها که آن‌قدر با شتاب از شهرستان می‌گریزند که انگار هیچ دلبستگی با آن ندارند و می‌روند که جایی در پهنای دامن البرز خاطرات خوب بسازند. حسینی هم که از هم‌صنفان آقای حسین پور است، می‌گوید: «بعد از تهرانی‌ها و قمی‌ها، اهالی اصفهان و مشهد ساکنان غیربومی مازندران هستند.»

حاشیه‌نشینی که هر روز به جمعیت‌شان افزوده می‌شود و چشم‌انداز پدیده‌ای را تغییر می‌دهند. در امتداد هر پنجره و پشت هر دیواری، در جنگل و شالیزار ساختمان‌های وسیع با شیروانی‌های سرخ و نارنجی با حصار و باروهای آهنی نشسته. به قول کامل اطهری، اقتصاددان «ثار رشد بورژوازی مستغلات در استان مازندران.»

شمارش تعداد بنگاه‌های املاک در خیابان منتهی به چمستان (از دوراهی حسین‌آباد تا ورودی چمستان که حدود ۲۵ کیلومتر است) ساده نیست. دو نفر مسئول شمارش می‌شوند. خودروها به تاخت در دو طرف جاده می‌انند. دو طرف زمین‌های کشاورزی است که ردیفی از بنگاه‌هایی با نامهای سنگ و شیشه به موازات آن صف کشیده. یکی راست را می‌نویسد و یکی چپ. چپ: املاک کبان، شمال، طلع، نوآندیش، لاله‌زار، آریا، پارسیان‌نو، جنگل، آینده، نیما، سعادت‌آباد، یاس‌نو، امیرآباد، برتسر، اریک‌نو. اسامی نام‌های آشنایی هستند برای تهرانی‌ها. گاهی هم یکی یادی از مازندران کرده و اسمی از باران برده و البرز، شمرند و نوشتن نام املاکی‌های دست راست سخت‌تر است. هر چند قدم بکنی: مینان، ایثار، سپهر، طلای سبز شمال، بهار، ایرانیان‌نور، ایران، سبزگستر، فدک‌نور، پارک‌وی، سعدآباد، اقلیما، تهران... بدون محاسبه کوچکی و گذرهای فرعی، در شهر راست ۱۳۳ بنگاه و در چپ ۸۳ بنگاه شمرده می‌شود. در ۲۵ کیلومتر ۲۱۶ بنگاهی که در بدترین حالت هفته‌ای یکی دو ویلا معامله می‌کند و این تازه حکایت یکی از خیابان‌های چمستان است و تا محمودآباد و نور آمل و بابل و بابل‌سر راه بسیار است.

رتبه سوم مازندران در تعداد بنگاه

هوای داخل بنگاه به همت کولر گازی خنک است. صاحب بنگاه روی سندیلی پشت‌پلند، پشت‌میز بزرگ نشسته. «این‌جا در این راسته بیشتر از ۹۰۰ بنگاه داریم. خدا رو شکر مشتری هست. نه به اندازه سابق، اما هست.»

در یکی از مسایلی‌های مربوط به بنگاه‌های معاملات املاک کشور با ذکر شماره تلفن، فهرستی از ۶۳۳ بنگاه شهرستان نور آمده. محدوده ساری ۱۸۶۷ آژانس مسکن و در آمل ۷۰۴ بنگاه. در سال ۸۵ هم دو کارشناس استان نور (حسینی و موقی) آمار املاکی‌های استان مازندران را ۶۲۳ بنگاه اعلام کردند: ۴۷۶ املاک پروانه‌دار و ۱۴۷ املاک بدون پروانه.

در مرکز استان ایران تعداد بنگاه‌های معاملات املاک از ۳۵ هزار و ۶۰۰ بنگاه در سال ۸۶ به ۷۱ هزار و ۹۰۰ بنگاه در سال ۹۰ افزایش یافته، یعنی دو برابر و نیم رشد. در سال ۹۲ تهران با ۱۵ هزار و ۸۶۰ کارگاه بالاترین تعداد بنگاه‌های کشور را داشت. خراسان‌رضوی ۲۰۸ بنگاه و مازندران با

۵۷۵۲ واحد سوم شد.

همکار حسین پور بنگاهی جای تازه‌ده می‌آورد. می‌گوید با ۱۱۰ تا ۱۷۰ میلیون تومان می‌توان صاحب ویلا شد. زمین‌هایی در حوالی روستاهای حسین‌آباد و پیشسگون سراغ دارد که آماده‌اند از شالیزار به ویلا تبدیل شوند. «شورا نقشه روستا را دارد. می‌توان در زمین‌هایی که درون بافت روستا محسوب می‌شود، ویلا ساخت. دست‌شورا و دهیار است. در بیرون از بافت هم اجازه ساخت خانه‌باغ می‌دهند. برای هر باغی می‌شود یک بنای ۲۰۰ متری ساخت. در زمین‌های شالی هم می‌توان شهرک ساخت.» خودش این‌روزها در گیر ساخت یک شهرک در زمینی ۱۸ هزار متری است. «من ۱۲۰ هزار تومان خریداری می‌شود، اما بعد از پلاک‌بندی و ساخت قیمت‌ها چیز دیگری است.»

حسرت نبودن محمود احمدی‌نژاد

اگر در تهران بازار مسکن هنوز چرت می‌زند، این‌جا در مازندران به قول آقای آقا رجا هرچند مثل چندسال پیش نیست، اما در تکاپوست. «دوسال پیش بهتر بود، چون پول در بازار بود. پول بیشتری دست مردم بود.» طرح خروج دام از جنگل هم یکی از برنامه‌هایی بود که در تشدید تخریب جنگل موثر بود. فرماندار کلاردشت دوسال پیش گفته بود: «به پهنانه خروج دام از جنگل به جنگل خیانت شد. بسیاری از افراد دامدار نبودند، در ازای شمارش چندباره دام به یک دامدار زمین دادند، زمین‌ها نه‌تنها مورد استفاده دامداری

قرار نگرفت، بلکه به تهرانی‌ها فروخته شد.»

آقارضا، مغازه‌دوبری دارد در جاده. پشت سرش روی دیوار تصویر یک ویلای جنگلی است. با ستون‌های هخامنشی و آب‌نمایی در حیاط مشبک. آقا رضا از معاملاتی که دارد راضی به‌نظر می‌آید، اما حسرت دورانی را دارد که ساخت‌وساز در اوج بود و می‌شد با یک میلیون تومان مجوز تبدیل جنگل به استراحتگاه را گرفت.

• ویلاها سندن دارند؟

بعضی‌ها سندن دارد، بعضی‌ها شورایی است. ما از دهیاری استعلام می‌گیریم. دهیاری هم که نماینده بخشدار است.

• ویلاها چقدر در روستا فاصله دارند؟

حاشیه روستا هستند. ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری توی شهرک داریم. زمینش ۲۷۰ تا ۳۰۰ متر، بنا ۱۵۰ متر. موره‌ها زیاد است، باید یک موره را ببینید ما سلیقه شما دست‌مان بیاید.

• چقدر پیش پرداخت لازم است؟

۱۰۰ میلیون تومان نقد و اقساط هم مایه ۱۰ تومان است. اما موره‌های خیلی ارزان‌تر هم داریم با ۵۰ میلیون پیش و اقساط ۱۰ ماهه.

• ویلای جنگلی هم دارید؟

جای خیلی بکر، دل جنگل. هم ویلا داریم و هم زمین. یک زمین ۳۵ هزار متری رویایی داریم، یک بنای ۲۰۰ متری هم دارد با ۵ هزار درخت. می‌شود یک فامیل با هم بخردند و بعد هر خانواده یک ویلا

ببازد. متری ۲۰۰ هزار تومان.

• مجوز ساخت خانه از چطور بگیریم؟

تغییر کاربری این زمین‌ها از پایه انجام شده. مال دامدارهاست. بسته به تعداد دام بهشان زمین واگذار کردند تا دیگر حیوان‌ها را در جنگل به چرا نبرند. به یکی ۱۲ هزار متری، یکی سه هکتار، یکی یک هکتار دادند با امتیاز تغییر کاربری. دامدارها هم دامداری را رها کردند و زمین‌ها را فروختند.

• یعنی قطع کردن درخت‌ها هم مشکلی ندارد؟

مشکلی ندارد. آب و برق و گاز هم که باشد دیگر مشکلی نیست. البته الان خیلی برای زمین‌های جدید سخت‌گیری می‌شود، اما قبلاً راحت بود. الان محدوده‌ها مشخص است و تعیین کرده‌اند این روستا تا ۱۰ سال دیگر چقدر رشد جمعیت و چقدر اجازه ساخت دارد. زمین‌های بافت و غیربافت مشخص است. این باعث شده قیمت‌ها بالا برود. اگر مثل سابق بود، این‌طور نبود. در منطقه سعادت‌آباد دیگر یک برگ درخت نمی‌شود انداخت.

• سعادت‌آباد کجاست؟

یک کیلومتر جلوتر به سمت جنگل می‌رویم. آهان، یک ساختمان رمانتیک هم جای دنج و خیلی خلوت داریم. بنای ۶۰۰ متری دارد. زمینش متری ۱۲۰ هزار تومان است. نیش است و هر جوری می‌شود تفکیک کرد. سندش هم

در نوبت است. توی دل جنگل یک کم قیمت بالاست. می‌شود ۲۲۰.

• وضعیت خرید و فروش چطور است؟

هنوز خوب است. ۹۰ و ۹۱ روزی ۶ ویلا می‌فروختیم. ساخت‌وساز هم زیاد بود. الان روستای ما ۸۰ خانواده بومی هم ندارد، اما تهرانی‌ها هزار دویست، سیصد ویلا دارند. معامله کمتر شد، اما هست. اواخر ۹۴ که خورد به انتخابات.

• سال‌های ۹۰ و ۹۱ چطور مجوز ساخت می‌گرفتید؟

آن موقع مجوز گرفتن ساده‌تر بود. اصلاً دنبال مجوز نمی‌رفتم. می‌ساختیم بعد می‌رفتم دنبال آب و برق و گاز. در آن دوره همه چیز لودری بود. یک میلیون تومان می‌دادی مجوز می‌گرفتی.

• این همه بنگاه در یک راسته هنوز کارکنند دارد؟

نیم درصد، سه دهم درصد هم که از تهران بیایند، یک دهم درصد از اصفهان و مشهد هم بیایند، خوب است. پرپر زوی یکی از خوزستان آمده بود. خوب چطور بماند توی آن هوا. می‌آید یک ماه می‌ماند، دیدید توی موبایل نشان می‌دهند توی اهواز تخم‌مرغ زیر آفتاب می‌پزد. خوب می‌آید شمال. شمال به اسم بزرگ است، اما به ارزش ریالی پایین است. هر جای ایران با ۲۰۰ متر زمین، ۱۰۰ متر بنا را زیر ۱۰۰ میلیون نمی‌دهند. هر جا

سرمایه و درآمدهای ناچیز عده زیادی از ساکنان محلی وجود دارد. واضح است که سود گروه کوچک نافعان که عموماً سرمایه‌گذاران غیربومی با سرمایه‌گذاران و مسئولان رده بالای منطقه هستند، در توسعه منطقه‌ای مثلاً در بخش بهبود امکانات عمومی و خدمات بهداشتی یا آموزشی هزینه نمی‌شود. بنابراین به‌جای ساخت مدرسه و بیمارستان برای مردم بومی، هتل، استخر شنا و رستوران به حد کافی ساخته شده است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری برای تأمین بهداشت، تعمیم بیمه درمانی، فراهم‌آوردن امکانات آموزشی یا سایر خدمات اجتماعی مورد نیاز مردم مازندران، سرمایه‌های ملی توسعه گردشگری کاتالیزور شده است، در نتیجه سهم مردم محلی از گردشگری اندک است.

واقعیت‌های آرایه‌شده بیانگر آن است که تجربه گردشگری در مازندران در بعد پایداری اقتصادی موفق نبوده است. به‌مدت‌تانی پژوهش حاضر که نمایانگر عوامل متعدد منجر به ناکارآمدی گردشگری در ابعاد مختلف منتهی به تغییرات اقتصادی نامطلوب در مازندران شده است، می‌توان برخی راهبردها و راهکارها را در بخش سیاست‌گذاری و اجرایی بیان کرد. لازم است نه‌تنها در مازندران، بلکه در هر منطقه‌ای، قبل از تدوین هر سیاست و برنامه توسعه‌ی گردشگری از سوی برنامه‌ریزان و مدیران در هدایت‌بومیان منطقه بوم ساکنان منطقه لحاظ شود تا دخالتی در پیامدهای برنامه‌ها یا واقعیت‌های موجود و تصویری که در پی نیل به وضعیت مطلوب هستند رخ ندهد. تدوین بسته‌های مختلف اشتغال مرتبط با صنعت گردشگری از جمله فرصت‌ها و محدودیت‌های منطقه در نیل به مشاغل تعیین شده از مواردی است که تا حدودی می‌تواند زمینه‌انریختنی پیامدهای مثبت اقتصادی گردشگری را محقق سازد. تدوین سیاست‌گذاری‌هایی در جهت توزیع عادلانه منابع گردشگری در جامعه مقصد، به‌دلیل این‌که عمده شهرهای مازندران کوچک هستند، همچنین برنامه‌ها و سیاست‌هایی در شهرهای ساحلی چون بابل‌سر، نور و غیره اتخاذ شود تا تردد وسایل نقلیه توسط گردشگران ممنوع شود و عواقب آلودگی‌ها و زیبایی‌شناختی ناشی از زحام گردشگران تسکین‌بخش باشد.

تأثیرات اقتصادی گردشگری در مازندران

قیمت کالا و خدمات، برابری فرصت‌های شغلی، توزیع عادلانه منافع و دسترسی عادلانه به منابع و حفظ محیط‌زیست به‌عنوان مهم‌ترین تأثیرات منفی گردشگری موردتذکر قرار گرفته است.

به‌گمان پاسخگویان و همچنین براساس مشاهدات انجام شده، گردشگری به افزایش شدید قیمت‌ها به‌خصوص در بخش زمین منجر شده است. از بین رفتن مشاغل مربوط به کشاورزی و پرورش حیوانات خانگی و غیره از جمله آشکارترین جنبه‌های نقد منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت گردشگری در مازندران است. دور شدن از مشاغل پدران و روی آوردن به مشاغل کاذبی که تنها وابستگی و مخاطره امنیت شغلی را برای‌شان به همراه دارد، از دغدغه‌ها و آسیب‌هایی است که متوجه ساکنان پذیرنده سیاست‌های مرکز است.

سطوح نابرابر مالکیت و منافی که همگان در آن سهمی یکسان ندارند، روی دیگر سکه توسعه گردشگری در مازندران است. عدالت اجتماعی، اشتی منافع محلی، منطقه‌ای و ملی امر لاینحالی است که

ورای ارقام کلان در آمدی ناشی از حضور گردشگران در مازندران از نگاه‌ها پنهان نگه داشته می‌شود. زمانی می‌توان مدعی توسعه از پی گردشگری بود که توزیع عادلانه منافع در ابعاد مختلف برای ساکنان مقصد محقق شود. گردشگری در مازندران نتوانسته امکان نابرابری منافع را در بحث پایداری اقتصادی به وجود آورد. نامتوازن بودن توزیع قدرت در روابط مهمان‌میزبان به‌تغییر عمده در نگاه احساس و رفتار گردشگران و در کل صنعت گردشگری به منطقه مازندران منجر شده است. مصرفی شدن منطقه، بروز زمینه‌های نابرابری اقتصادی بین گروه‌های کوچک-بزرگ، ایجاد مناطق توسعه‌یافته-توسعه‌نیافته و نادیده گرفتن اقتصاد بومی از جمله پیامدهای منفی این تغییرات است که به‌توجه‌فرآیندهای در حال‌گسترش است.

به واقع، فرآیند ناشی از شکل‌گیری سطوح نابرابر شغلی، شکاف درآمدی، محدودیت دسترسی به منابع طبیعی و دیگر موارد ذکر شده زمینه‌ی ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌های منافع را در منطقه پدید آورده است. نابرابری بزرگ-کوچک اشاره به شکاف بزرگی است که بین درآمدهای کلان تعداد محدودی از نافعان و صاحبان

حتی یزد و بوشهر. متقاضی ویلا توی این منطقه زیاد است.

• چرا این همه متقاضی دارد؟

چون شما راحت از این‌جا می‌روید تهران. چهار باند هم که بشود راحت‌تر می‌شود آمد. الان ما خودمان یک ساعت و سه ربعه می‌رویم. متروی آمل-تهران هم قرار است راه بیفتد. اسنادش را نشان‌تان می‌دهم. از تهرانی‌پارس تا این‌جا سه ربعه می‌آید. به‌رحال این پروژه ملی است. آدم‌های کله‌گنده الان آماده‌اند سسی، پنجاه، صد هکتار زمین خریدند این‌جا.

بورژوازی مستغلات

یا چگونه جنگل‌ها ویران شد

در غروب شلوغ خیابان اصلی شهر آمل مغازه کوچکی لابه‌لای پرده‌فروشی و لوازم‌خانگی‌ها سوسو می‌زند. بیلیجه و بذر و سسم می‌فروشد. زنی وارد می‌شود و تقاضای سسم دورکننده مار و سسم کشنده علف‌های هرز دارد. فروشنده آنچه خواسته پیچیده در کیسه نایلونی در دستش می‌گذارد و سرتکان می‌دهد که «این علف‌های هرز به خدا جزو طبیعت هستند. این تهرانی‌ها طبیعت ما را همین طوری کشندت.» زن می‌خندد و می‌رود.

مغازه‌دار پیرمردی هشتادساله است، جنگل‌های کهن را به چشم دیده. سال‌ها با خانواده در قشلاق و بیلاق بوده. نه دل و دماغ تعریف دارد و نه چشم دیدن تهرانی‌ها.

کمال اطهری برای روشن شدن بحث شهری شدن رانت دو تعریف ارائه می‌کند:

بورژوازی مستغلات: جناحی از بورژوازی که در بازارهای زمین و مسکن و مستغلات فعال است و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری محیط مصنوع دارد.

انبوه‌سازان سوداگر: افراد یا موسساتی که در بازارهای مسکن و زمین یا مستغلات فعال‌اند تا در نهایت از تغییرات در کاربری زمین عایدی کسب کنند.

اطهری آثار رشد بورژوازی مستغلات را در استان مازندران این‌گونه می‌بیند: «یکی از آثار مهاجرفرستی شدید است. براساس سرشماری سال ۹۰، رشد استان ۱۰۲ اعلام شد که در مقایسه با نرخ ۱۴۳، سال ۷۵ و ۱۰۲، اسال ۸۵ کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. همچنین سالخوردشد جمعیت، بیش از ۵۰ درصد جمعیت استان را افراد بالای ۳۰سال تشکیل می‌دهند.»

بقای بی‌سوادی (درصد سوادی: ۸۵٫۷ درصد) و نرخ بالای بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴سال مازندران (۴۶٫۷ درصد و نرخ بیکاری زنان ۶۵٫۶ درصد) هم پیامدی است که اطهری در از بین رفتن جنگل و رشد شهرک‌سازی در استان می‌بیند.

هزار و فیروز کوه در تعطیلات آخر هفته از پایتخت‌گریزان مملو است. حضور ۲۰ تا ۴۰ میلیون‌جای می‌موج گردشگر هیچ عایدی در توسعه اقتصادی ندارد، چراکه به گفته کمال اطهری مساحت جنگل‌های ایران حدود ۱۲ میلیون هکتار است، درحالی که در گذشته نه چندان دور به ۱۸ میلیون هکتار می‌رسید. «در هر ثانیه ۳۶۰ متر مربع از سطح جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب می‌شود. در هر سال یک میلیون هکتار از جنگل‌های ایران نابود می‌شود. به‌گفته رئیس موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان هر روز ۴۰هزار هکتار از جنگل‌های شمال تخریب کمی و کیفی دارد.»

اطهری پیشنهاد می‌کند پایش برنامه‌ریزی از سوی سطوح مختلف حکومت مرکزی و محلی و شیروانی ملی و محلی قانونی شود. شاخص‌های پایش توسعه پایدار (بویایی و پایایی اقتصادی عدالت اجتماعی) تدوین و تصویب شود. درآمد پایدار برای شهرداری‌ها و تقویت حکومت محلی تأمین شود و حقوق جمعی قانونی شود.

پژوهشگران هم با بررسی و پژوهش و مشاهده و ارزیابی در تجربه گردشگری تمرکز کرده‌اند و توفیقی در پایداری اقتصادی منطقه نمی‌بینند. «در قبلی منابع طبیعی و اجتماعی که از دست داده‌اند، چیزی زیادی نصب ساکنان محلی نشده. سطوح نابرابری در میان شهرهای مختلف روزبه‌روز برترنگ‌تر می‌شود. اقتصاد بومی درحال نابودی است و مازندران به مثابه یک کالای تفریحی درحال مصرف شدن است.»

خبرهای خوب

تلفن رنگ می‌خورد. حسین پور است. آدرس ویلای دیگری را در ۲۰۰ متری جنگل می‌دهد که سند آب و برق هم دارد.

برای خرید ویلا در مازندران نیازی به گذشتن از ۲۷۰ کیلومتر راه شوسه هم نیست. کافی است کلمه ویلا و شمال را در موتورهای جست‌وجوگر اینترنت دنبال کنید. پر است از ویلاهای رویایی. یکی از این صفحات نوشته‌اند: «همچنان خبرهای خوب در راه است. فروش زمین ساحلی به صورت پلاک‌بندی شده و زمین ساحلی قطعه اول ساحل، داخل شهرک، فروش زمین با کاربری آزاد، فروش زمین در ابعاد بزرگ، فروش زمین‌های جنگلی در ابعاد مختلف با سند منگوله‌دار، فروش زمین‌های کشاورزی به صورت هکتاری و مترآب پایش‌تر.»